

بازنمود نقش کارکردشناسانه تفکر خلاق در توانمندسازی فردی هنرمند در عرصه آموزه مهدویت*

امیرمحسن عرفان^۱

چکیده

هدف: این پژوهش با هدف اکتشاف مهم‌ترین برون‌دادهای کاربردی تفکر خلاق در هنرمند مهدوی سامان یافته است. روش: این تحقیق روش تبیینی-تحلیلی را در پردازش محتوا مبنا قرار داده است، و برحسب دستاورد یا نتیجه تحقیق از نوع توسعه‌ای-کاربردی و به لحاظ نوع داده‌های مورد استفاده، یک تحقیق کیفی است. روش گردآوری اطلاعات از نوع کتابخانه‌ای و در استکشاف از توصیف بهره برده شده است. یافته‌ها: مهم‌ترین نقش تفکر خلاق در توانمندسازی فردی هنرمند است. این توانمندسازی در دو ساحت انگیزشی و مهارتی قابل رصد است. غلبه ریشه‌یابی بر عارضه‌بینی، خلق احساس خود اثربخشی، تعهد پایدار و درک هوشمندانه تفاوت‌های فردی در انتقال پیام مهدوی مهم‌ترین یافته‌های تحقیق در توانمندسازی انگیزشی و روانی هنرمند مهدوی است. طراحی نوآورانه اثر هنری و رشد ابتکارات احساسی نیز در توانمندسازی مهارتی هنرمند در عرصه آموزه مهدویت مؤثر است. نتیجه: نتایج حاصل از تحلیل و ترکیب داده‌های جمع‌آوری شده نشان که تفکر خلاق، ارتقای قدرت انگیزشی، نوآوری و عزت نفس در حوزه توانمندسازی فردی هنرمند مهدوی را ارتقا می‌دهد.

واژگان کلیدی

تفکر، خلاقیت، توانمندسازی، هنر، هنرمند، مهدویت.

مقدمه

یکی از عوامل مهم سبب‌ساز برخی از کاستی‌ها در حوزه نقش‌آفرینی هنری در عرصه

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۸
۱. استادیار دانشگاه معارف اسلامی قم، ایران (erfan@maaref.ac.ir).

دین، آگاهی نداشتن از نقش کلیدی خلاقیت فکری در انتقال پیام هنری است. توانایی «فکر خلاق» به مراتب بیشتر از «ابزار» در کیفی سازی پیام هنری نقش دارد. توجه به این نکته مهم است که به جای تولید پرحجم آثار هنری، باید رویکرد و نگرش مخاطب به مسائل هنری را تغییر داد. نقش آفرینان هنری حوزه دین؛ نیازمند آشنایی با مهارت های تفکر خلاق هستند تا بتوانند راه حل هایی برای پیشبرد هرچه بهتر پیام هنری داشته باشند.

لزوماً در حوزه هنر با کمک ابزار نمی توان به اهداف رسید. هنرمند در حوزه دین نیازمند تفکر عمیق در اهداف و چگونگی تصمیم گیری و برنامه ریزی و یک نگاه کیفی به مسائل است. به همین دلیل، تفکر سطح بالاترین ویژگی انسانی برشمرده می شود. نباید به این واقعیت بی توجه بود که هدف اصلی هنر دینی؛ تأثیرگذاری بر مخاطب در ابعاد شناختی، نگرشی و مهارتی و رفتاری است. پرورش عقلانی جامعه، لازمه هنر دینی است؛ هدف گذاری آفرینش های هنری در عرصه دین می تواند به گونه ای باشد که نه تنها در زندگی فردی هنرمند مؤثر باشد، بلکه به آنان کمک کند تا بتوانند در رشته تخصصی خود منشأ اثر بوده و به تولید آثاره هنری، با توجه به هستی شناسی اسلامی و قرآنی بپردازند، زیرا اگر صاحب هنر برخوردار از معرفت صائب باشد اثر او «حاکمی» از حقیقت خواهد بود، و اگر معرفت او کاذب باشد اثر او نیز کذب است (رشاد، ۱۳۹۵: ۱۷).

یکی از نشانه های اهمیت موضوع به عنوان واحد تحلیل این مقاله این است که جامعه ایرانی - اسلامی ما با این موضوع ارتباط دارند. این معیار بیانگر اهمیت و گستره موضوع است. توانمندسازی هنرمندان به لحاظ نقش مهمی که در ارتقای کیفی نگرش جامعه به مقوله منجی موعود دارد و از اهمیت بالایی برخوردار است؛ چرا که عدم توجه به این مهم آسیب هایی را به دنبال خواهد داشت. گسترش و رشد دامنه و گستره مسئله نجات و آموزه مهدویت در زمان های آتی یکی دیگر از ضرورت های انجام این تحقیق است. بدین معنا که در صورت به تأخیر افتادن زمان انجام تحقیق و عدم شناخت نقاط ضعف و دلایل نارضایتی مخاطبان از هنر مهدوی و عدم ارتقای کیفی خلاقیت هنرمندان، نارضایتی بین مخاطبان به وجود خواهد آمد و واحدهای تحلیل بیشتری آسیب خواهند دید. نباید از دور داشت که یکی از مهم ترین ابزارهای نفوذ و تسری دین، هنر است. بخش چشمگیری از نفوذ دین در قلب مردم، از استخدام هنر توسط دین

نشأت می‌گیرد. دین، با ابزار هنر در دل‌ها جای می‌گیرد. نمونه بارز این ادعا، استخدام گسترده معماری، خط، ادب برای دین در مشرق زمین و بهره‌مندی از موسیقی در مسیحیت مغرب زمین است (همان: ۴۲).

ضرورت شناسی کاربرست تفکر خلاق در هنر مهدوی

اهمیت «مهدویت پژوهی با رویکرد هنری» به مقوله جایگاه نگرش هنری در این زمینه برمی‌گردد. در واقع، مهم‌ترین رسالت هنرمند در این عرصه کسب درآمد نیست بلکه باید منجر به خلق رفتار جدید در جامعه منتظر گردد به گونه‌ای که رفتار جدید تربیتی باید به صورت خودجوش و با رضایت درونی افراد صورت پذیرد. کار استاد در کلاس درس تعلیم است، اما وظیفه هنرمند برانگیختن اراده و حرکت است. مخاطب استاد «ذهن» آدمی و مخاطب هنرمند «جان» اوست. گاهی هنرمند با بهره‌گیری از تفکر خلاق، هیچ گزاره جدیدی بیان نمی‌کند و سخن تازه‌ای، نمی‌آموزد، اما با تکرار دانسته‌ها و تحریک آگاهی‌ها و غفلت‌زدایی زمینه اراده را فراهم می‌کند (عالم‌زاده نوری و دیگران، ۱۳۹۳ ش: ۱۹۶). در آفرینش هنری فراتر از کسب دانش، تخصص و مهارت باید به تفکر خلاق توجه داشت. به دیگر سخن هنراز عناصر نرم‌افزاری حیات آدمی است و باید تلاش کنیم «قریحه»، «ملکه» و «آفرینش» هنری در وجوه نرم‌افزاری حیات آدمی خرج شود (غفاری، ۱۳۹۷ ش: ۱۰۸).

از سویی بررسی فرایند و روند پیدایی آثار هنری چنین می‌رساند که اقتضائات نوظهور روزگار جدید نظام دانایی و تربیتی نسل جدید را با کاربرست شیطانی هنر با بحران‌هایی مواجه کرده است. به عبارتی می‌توان گفت «هنردینی» در جامعه «در خطر» است. اصطلاح «در خطر» از حوزه پزشکی گرفته شده و حاکی از موقعیت افرادی است که بیش از دیگران در معرض ابتلای به بیماری هستند. مثلاً کسی که زیاد سیگار می‌کشد و یا در خانواده او سابقه بیماری سرطان وجود دارد بیشتر در خطر ابتلا به بیماری سرطان قرار دارد. مهم‌ترین عامل «در خطر» بودن هنردینی در جامعه عبارتند از: سلطه فضای مجازی در سبک زندگی جوانان، تکاپوی گسترده جریان‌های انحرافی در استفاده از هنر، رعایت اصول زیباشناسی و هنراز سوی جریان‌های فکری رقیب در مقوله منجی و...

نکته مهم دیگر در ضرورت کاویدن این موضوع؛ عدم رضایت از آفرینش‌های هنری در

عرصه آموزه مهدویت می باشد. برخی از مدیران فرهنگی با روش های جدید ارتباط با هنرمند آشنایی ندارند و از شیوه های ناکارآمد قدیمی در امر آموزش هنری استفاده می کنند. نتیجه این امر، تبدیل آثار هنری در عرصه آموزه مهدویت با بازدهی کم است. افزون بر این، تولید اثر هنری در عرصه دین ظرافت های خاصی دارد که با دیگر دروس متفاوت است و می طلبد که هنرمند با اصول روان شناسی و ارتباط مؤثر نیز آشنایی داشته باشد.

برخی از مهم ترین دلایل آسیب زا بودن تولید آثار هنری در عرصه آموزه مهدویت عبارتند از: عدم رعایت اعتبار و بداعت پیام مهدوی، عدم مواجهه صحیح با آثار هنری رقیب، عدم تمییز مسئله ها از مسئله نماها، فقدان بازپیرایی پیام هنری متناسب با مخاطب، عدم نیازشناسی مخاطب و ...

نمودار ضرورت های کاربریست «تفکر خلاق» در خلق آفرینش های هنری در عرصه مهدویت



جوهره معنایی تفکر خلاق

در برخی تعریف ها، خلاقیت معادل با «حل مسئله» یا «مسئله گشایی» تبیین شده است. بدین ترتیب، خلاقیت چیزی جز حل کردن مسائل، مشکلات، تعارض ها یا بن بست ها نیست. در جوهره معنایی خلاقیت؛ دو عنصر باید لحاظ شود. «تازگی و نبودن» و «مناسب و مفید بودن» دو عنصر اساسی در ماهیت یابی مفهوم خلاقیت است. به عبارتی صرف ابداع یک پدیده بدون توجه به کارایی ارزشمند نخواهد بود. با این توضیح، «خلاقیت یعنی پدید آوردن امری تازه و منحصر به فرد که به طور مناسب و مفید، موجب حل یک مسئله، سؤال یا نیاز علمی، صنعتی یا اجتماعی شود» (پرکان و محمدصالحی، ۱۳۹۷ش: ۶۴).

نباید از نظر دور داشت که جوهره معنایی خلاقیت و نوآوری با یکدیگر متمایز است. خلاقیت حالتی پیشینی دارد و به طرح اولیه در مرحله وجود معطوف می‌شود. ولی نوآوری حالتی پسینی دارد و به انتقال چیزی به مرحله کارایی و استفاده دلالت دارد (رابینز، ۱۳۶۹ش: ۶۸). نوآوری به عقیده برخی اندیشمندان، نتیجه و محصول تفکر خلاق است. (علیگلی و ساجدی، ۱۳۹۴ش: ۱۶).

به فرایند بهره‌وری از یادگیری در موقعیت‌های جدید تفکر اطلاق می‌شود (حسینی، ۱۳۸۸ش: ۱۸) و «تفکر خلاق»^۱ نوعی مهارت ذهنی است که در آن قدرت تصور و اندیشه به خلق ایده‌های نوبه منظور دست‌یابی به یک و یا چند راه‌حل می‌پردازد (استیونز، ۱۳۷۲ش: ۳۲).

از نظرگاه استرنبرگ تفکر خلاق برآمده از قدرت ابتکار و انعطاف‌پذیری است. یادگیرنده سعی دارد در مواجهه با چالش‌ها و موانع به نتایج متفاوت و نویباندیشد (افروز، ۱۳۷۸ش: ۹۸). بین خلاقیت و هوش، رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود دارد؛ اما به معنای این نیست که هر فرد باهوشی خلاق نیز هست. طبق تحقیقات انجام شده (آقایی فیشانی، ۱۳۷۷ش: ۷۷) انجام دادن کارهای فوق‌العاده و خاص، برون‌داد هوش بالا نمی‌باشد. نکته دیگر اینکه هوش، متمرکز بر تفکر همگراست، ولی خلاقیت متمرکز بر تفکر واگرا و با پرورش آن تفکر همگرا نیز رشد می‌یابد، اما عکس این قضیه، الزاماً صحیح نیست (زارع، ۱۳۸۷ش: ۳۶۹). بایسته است اشاره کنیم گیلفورد و دو بونواز جمله اندیشمندی‌اند که به بحث درباره تفاوت انواع تفکر می‌پردازند. گیلفورد معتقد است که در تفکر خلاق به گونه‌گونی پاسخ‌ها در حل مسئله توجه می‌شود در حالی که در تفکر منطقی تمام تلاش برای ارائه یک پاسخ منطقی برای حل مسئله است.

مؤلفه‌های تفکر خلاق در هنرمند

«سیالی ذهن» یکی از مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده تفکر خلاق است. این خصوصیت نشان‌دهنده «تعداد یا کمیت» فکر هنرمند است؛ یعنی یک هنرمند، چه میزان می‌تواند فکر کند و ایده و نظر در راستای اثر هنری تولید کند. هنرمند خلاق در موقعیت و شرایط

مختلف فکرهای مناسبی ارائه می‌دهد. و به همین دلیل معمولاً آثار هنری ایشان مورد قبول و پذیرش مخاطب قرار می‌گیرد. هنرمند خلاق «درشناس» و «درمان اندیش» است. هنرمند نباید صرفاً در چالش‌ها و آسیب‌ها غرق شود. هنرمند خلاق با در نظر گرفتن موقعیت زمانی، امکانات، استعداد و ظرفیت موجود در صدد ارائه راه حل ابتکاری است (پیرخالقی، ۱۳۸۴ش: ۱۱۱).

یکی از ویژگی‌های هنرمند خلاق در عرصه آموزه مهدویت آگاهی به زمان و شریط اجتماعی و محیطی باورداشت آموزه مهدویت است. چرا که بسیاری از نگرش‌ها و رویکردها به آموزه مهدویت تحت تأثیر ویژگی‌های محیطی است. از سویی دیگر بسیاری از آموزه‌های دینی نیازمند بازپیرایی است. ارائه خام محتوای دینی بدون توجه به مقتضیات زمانه آسیبی است که انتقال اثربخش پیام هنری را تهدید می‌کند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

العالم بزمانه لا تهجم علیه اللوابس (کلینی، ۱۳۶۹ش: ج ۱، ۲۶)؛
کسی که به روزگارش آگاهی داشته باشد از گزند شبهه‌ها ایمن است.

محیط یکی از اساسی‌ترین عوامل تعیین‌کننده نوع و کیفیت خلق اثر هنری است. میان محیط و خلق اثر هنری همواره تعامل یا تأثیر متقابل وجود دارد. خلق آثار هنری در حالت انتزاعی غیرممکن است باید محیط و زمانه‌ای که خلق اثر هنری در آن انجام می‌گیرد را در نظر داشت.

«انعطاف‌پذیری» یکی دیگر از مؤلفه‌های تفکر خلاق است. منظور از این خصوصیت در تفکر خلاق، «تنوع و گوناگونی فکر» است؛ انعطاف‌پذیری به معنای توانایی کنار گذاشتن چارچوب‌های ذهنی بسته گذشته و توانایی دیدن اندیشه‌های جدید و افکار نو و پذیرش مناسب‌ترین و کارآمدترین باورهاست. هنرمند انعطاف‌پذیر اشتباه‌های خود را می‌پذیرد و در مقابل آنچه نمی‌داند آگاه است و صادقانه به آن اعتراف می‌کند. هنرمند خلاق معمولاً به منظور حل هر مسئله و رسیدن به یک هدف، چندین راه و روش در نظر می‌گیرد. و به یک راه بسنده نمی‌کند؛ چرا که او انعطاف‌پذیر است یعنی توانایی کنار گذاشتن قالب‌های ذهنی گذشته و دیدن اندیشه‌های جدید و بررسی افکار نو و پذیرش مناسب‌ترین و کارآمدترین باورها را دارد.

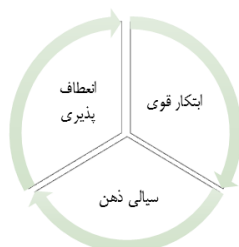
انعطاف پذیری دو گونه است: «انعطاف پذیری خودانگیخته»^۱ که توانایی ایجاد انواع زیادی از ایده‌ها بدون تکراری بودن آنهاست و «انعطاف پذیری انطباقی»^۲ که راه حل مسائل را تسهیل می‌کند (سام‌خانیان، ۱۳۸۱ش: ۵۳).

هنرمند در عرصه آموزه مهدویت باید با انعطاف‌پذیری فکری در خلق اثر هنری؛ مخاطب را به تعامل، تبادل اندیشه‌ها تشویق کنند. با توجه به جایگاه و اهمیت آموزه مهدویت لازم است نقش هنرمند به راهنما و تسهیل‌گر تغییر یابد.

«ابتکار قوی» نیز سومین مؤلفه تفکر خلاق است. منظور از ابتکار، «جدید بودن» و «منحصربه‌فرد» یا «یگانه بودن» فکراست. این خصوصیت نیز ناشی از دور شدن از کلیشه‌ها، قالب‌ها و عادت‌های رایج و تکراری است؛ چرا که هنرمند خلاق به راه حل‌های کلیشه‌ای و به طور کلی تفکر مبتنی بر قاعده علاقه‌ای ندارد. یکی از نشانه‌های هنرمند خلاق این است که افکارشان غیرمتعارف و غیرمعمولی است. با این‌که افکار هنرمند خلاق غیرمعمولی است؛ اما نابه‌هنجار نیست. معمولاً مردم افکاری را می‌پسندند که عجیب و غریب نباشند و با آن آشنا باشند. اگر به دنبال راه‌حلی هستند راه‌حلی را دوست دارند که معمولی باشند. حال اگر چنین راه‌حلی کمی غیرعادی و ناآشنا جلوه کنند؛ آنان در پذیرش خود از مقاومت نشان خواهند داد. در افکار خلاق خواه افکار خلاق ذهنی یا عینی کمتر تکراری است و غالباً با شکل‌های معمول فرق دارد. البته این تعبیر بدان معنا نیست که هنرمند خلاق دوست دارد افکارش نامتعارف باشد، بلکه این واقعیت را بیان می‌کند که هنرمند خلاق نگاه ظریف‌تر و دقیق‌تری درباره موضوع‌ها دارد و از این‌رو می‌تواند آنها را در حالت‌ها و شرایط متفاوتی تخیل و تجسم کند. توانایی دور شدن از امور رایج و واضح یا قطع رابطه با تفکر مبتنی بر عادت همان ابتکار اندیشه است (علیگلی و ساجدی، ۱۳۹۴ش: ۳۵).

1. Spontaneous Fluency
2. Adaptive Fluency

نمودار مؤلفه‌های تفکر خلاق



برون‌دادشناسی کاربریست تفکر خلاق در هنرمند

توانمندسازی هنرمند مهم‌ترین برون داد کاربریست تفکر خلاق است. توانمندسازی عبارت است از فرایند افزایش انگیزش درونی نسبت به ایفای وظایف هنری (عبداللهی، ۱۳۸۳ ش: ۳۸). توانمندسازی فرایندی است که به وسیله آن هنرمندان شایستگی‌های خود را بهبود می‌بخشند و رشد حرفه‌ای خود را ارتقا می‌دهند و مسائل خود را حل می‌کنند. توانمندسازی هنرمند فرصتی است برای آنان تا استقلال فکری، انتخاب، مسئولیت‌پذیری را دوچندان کنند. ماروف توانمندسازی را با سه عامل در ارتباط می‌داند: بهبود موقعیت، افزایش مهارت و معرفت، کسب قدرت تصمیم‌گیری (ماروف، ۱۹۸۷ م: ۴۷۵).

چون ژرف بنگریم توانمندسازی هنرمند در عرصه آموزه مهدویت؛ در سه حوزه «فردی»، «سازمانی» و «دانشی» قابل بررسی است. تفکر خلاق، ارتقای قدرت انگیزشی، نوآوری و عزت نفس در حوزه توانمندسازی فردی می‌گنجد. معرفت‌افزایی و مهارت-افزایی هنرمند به توانمندسازی آنان در عرصه دانشی کمک می‌کند. در این پژوهش توانمندسازی هنرمند در دوساحت انگیزشی و روانی و مهارتی مورد کنکاش قرار گرفته شده است.

یکم: توانمندسازی انگیزشی و روانی هنرمند در عرصه آموزه مهدویت

۱. غلبه ریشه‌یابی بر عارضه‌بینی (تأثیرگذاری بر افکار به جای کنترل نتایج)

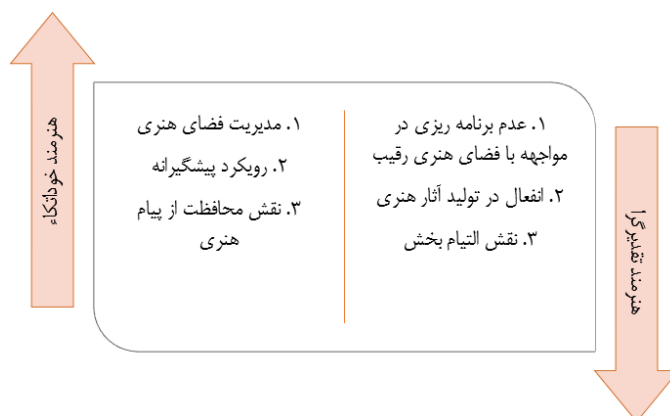
در خلق یک اثر هنری، گاهی مسئله حس می‌شود و زمانی درک می‌گردد؛ اگرچه در نظر ابتدایی این دو نزدیک به هم هستند، اما بین حس و درک تفاوت جدی وجود دارد؛

احساس یعنی «عارضه‌بینی» و ادراک یعنی «ریشه‌یابی»؛ به عبارت دیگر، حس به معنای ادراک ظاهری و درک به معنای ادراک واقعی است. از این رو، تمییز این دو برای تولید یک اثر هنری، امری حیاتی است و باز نشناختن این دوازهم، موجب خواهد شد که خط‌مشی‌ها در جهت رفع عارضه‌ها شکل گیرند و از حل مسائل و مشکلات اصلی غافل شویم.

تفکر خلاق به جهت برخورداری از «ابتکار قوی»؛ رویکرد پیشگیرانه و کشف فرصت‌های جدید و چشم‌اندازهای نو برای رشد و پویایی به مثابه رسالتی برای هنرمند تعریف می‌شود. هنرمند خلاق نه تنها جایگاه و اهمیت آموزه مهدویت را می‌پذیرد و در مقام یک کنش‌گر در جامعه منتظر؛ فعالانه وارد عمل می‌شود بلکه فراتر از آن، به منظور مقابله با شرایط بحرانی پیش‌بینی‌های لازم را نیز انجام می‌دهد. در چنین هنرمندانی نوع نگرش به فعالیت‌های رقیب در عرصه منجی موعود کاملاً مثبت و فرصت‌آفرین است. بر این اساس تولید آثار هنری در جبهه رقیب در حوزه اندیشه نجات می‌تواند فرصت‌هایی را به دنبال داشته باشد. پس باید مترصد چنین آثاری بود و از قبل پیش‌بینی‌ها و آمادگی‌های لازم را برای مواجهه با آنها پیدا کرد تا در صورت بروز بتوان در جهت ایجاد فرصت از آنها بهره‌برداری کرد.

در تقسیم‌بندی‌ای، هنرمند به دوگونه هنرمند «تقدیرگرا» و هنرمند «خوداتکاء» تقسیم می‌گردند. نقش هنرمند تقدیرگرا، «التیام بخشی» و هنرمند خوداتکاء، «محافظت» دانسته‌اند. هنرمند التیام بخش درصدد کمک‌رسانی و نجات فکری مخاطب بعد از غرق شدن در تولیدات رسانه‌ای دشمن است. در مقابل هنرمند خوداتکاء نگاهی فنی به تولید آثار هنری در عرصه آموزه منجی موعود در غرب دارند و تأکید و تلاش عمده‌شان بر اقدامات پیشگیرانه و آمادگی برای خلق آثار هنری برای مقابله با شبهات و سؤالات است تا از این طریق بتواند با برنامه‌ریزی اقتضایی برای مقابله با جریان‌های انحرافی از جامعه محافظت کرده و از میزان آسیب‌پذیری منتظران بکاهد.

نمودار تمایز هنرمند «تقدیرگرا» و «خوداتکاء»



بی شک برای تحقق این هدف لازم است هنرمند؛ با رهن‌های مسیر فعالیت‌های مهدوی آشنا باشد، آموزه مهدویت و محیط پیرامون آن را بشناسد، راه انتقال پیام هنری در عرصه آموزه مهدویت را نیز بداند و پس از آن برنامه‌ای برای ایمن‌سازی پیام هنری فراهم آورد. نیک می‌دانیم که دفاع از آموزه مهدویت، بزرگ‌ترین رسالت هنردینی است؛ زیرا گوهر تابناک مهدویت نیز همانند تمامی سنت‌های الهی در معرض تهدید، آسیب، تحریف و اسطوره‌پردازی است. از یک سون‌آگاهان برای جبران کم‌اطلاعی خود از این واقعه، بر آن پیرایه‌های خرافی می‌بندند و از سوی دیگر، دشمنان، مترصد تکه تکه کردن آنند. براین اساس، دفاع از مهدویت و تبیین درست آن، نیازمند همت هنرمندانی است که به جای «کنترل نتایج»، درصدد «تأثیرگذاری بر افکار» در این زمینه گام بردارند.

۲. خلق احساس خوداثربخشی و تعهد پایدار

تفکر خلاق به هنرمند کمک می‌کند تا احساس خوداثربخشی داشته باشند. با تفکر خلاق است که هنرمند قابلیت‌ها و تبحر لازم را برای انجام دادن موفقیت‌آمیز وظایف خود به دست می‌آورند. کارآمدی یک باور شخصی است که فرد احساس می‌کند می‌تواند وظایف خود را به طور موفقیت‌آمیز انجام دهد.

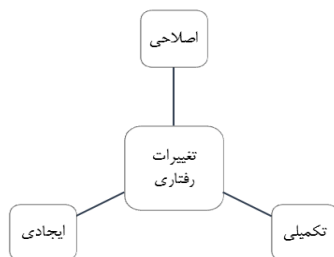
هرچند هدف هنردینی از جمله در عرصه آموزه مهدویت را نمی‌توان صرفاً ایجاد پرورش باورها، ارزش‌ها، نگرش‌ها دانست، ولی نباید از نظر دور داشت که یکی از مهم-

ترین هدف‌های هنر در حوزه معارف دینی پیدایی طرز تلقی‌های مطلوب می‌باشد. در غیراین صورت هنر در عرصه معارف دینی جنبه سطحی و نازل پیدا کرده و نمی‌تواند اسباب تحقق اهداف را فراهم آورند.

هنرمند باید تلاش کند که با کمک مجموعه ترکیبی تدابیر و تلاش‌های نظام‌دار (سیستماتیک) و هدفمند به تغییر رفتارهای منتظران در جامعه کمک کند. اثربخشی یک اثر هنری، در تغییراتی ملاحظه می‌شود که در رفتارهای منتظران ن پیدا می‌شود. تغییرات رفتاری مخاطبان آثار هنری در عرصه مهدویت سه گونه‌اند. دسته اول «تغییرات رفتاری ایجابی» هستند که کاملاً تازه‌اند؛ مانند انجام رفتارهایی که در سبک زندگی آنان در عرصه مهدویت سابقه نداشته است.

«تغییرات رفتاری تکمیلی» یا تغییرات رفتاری مکمل به تکمیل رفتارهای ناقص مخاطب در عرصه مهدویت می‌پردازد. و در نهایت «تغییرات رفتاری اصلاحی» که کمکی است به اصلاح تغییرات رفتاری نادرست و نامطبوع مخاطب در عرصه آموزش مهدویت.

نمودار سنخ‌شناسی تأثیر هنرمند خلاق در تغییر رفتار منتظران



یکی از عوامل بنیادین در سنجش کیفی اثر هنری در عرصه آموزش مهدویت، از نظر بالندگی و پویایی، تعهد هنرمند به آموزش مهدویت است. نوع تعهد هنرمند به آموزش مهدویت حاکی از پیوند و دل‌بستگی وی به این آموزش است. برخی تعهد را به در اختیار گذاشتن انرژی و وفاداری معنا می‌کنند. برخی نیز تعهد را به احساس مسئولیت و وابستگی معنا می‌کنند (حسینی، ۱۳۸۰: ۳۰). تعهد را می‌توان به عمل فراتراز وظایف مقرر شده نیز اطلاق کرد. در باورداشت آموزش مهدویت به جهت حساسیت و نیز اهمیت خاصش ابراز عملی تعهد ضروری است.

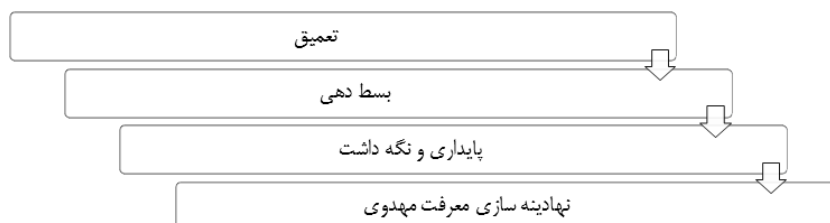
تفکر خلاق به پایداری تعهد هنرمند به آموزه مهدویت در سه ساحت «تعهد عاطفی»، «تعهد مستمر» و «تعهد هنجاری» کمک می‌کند (همان: ۴۷). تعهد عاطفی: شامل وابستگی عاطفی هنرمند به آموزه مهدویت و درگیر شدن در خلق اثر هنری در این زمینه است. تعهد مستمر: شامل تعهدی است که مبتنی بر ارزش نهادن به آموزه مهدویت است و در طی آن هنرمند در پیشبرد اهداف جامعه منتظر درگیر می‌شوند. تعهد هنجاری و یا تکلیفی: شامل احساسات هنرمند، مبنی بر ضرورت فعالیت مستمر هنری در این عرصه است (مقیمی، ۱۳۷۷ ش: ۳۹۳).

نفس تعهد به یک معنا در آفرینشگری آثار هنری تأثیرگذار است و البته این تعهد نافی خلاقیت نیست. هستند هنرمندانی که بر بنیاد گزاره‌ای نادرست تعهد را مقابل آزادی و لاجرم خلاقیت قرار می‌دهند، فلذا از هرگونه تعهدی آگاهانه می‌گیرند تا قدرت آفرینش‌گری خود را محدود نکرده باشند؛ شکی نیست هنرمند به آزادی در ظهور و پرورش خلاقیت خویش نیازمند است، اما تعهد نافی این آزادی نیست؛ بلکه تفسیر و تعبیر نادرست از آزادی و تعهد است که مفاهیمی چون این دورا مقابل هم قرار می‌دهد (بلخاری، ۱۳۹۵ ش: ۲۴۳).

فرایند نهادینه‌سازی معرفت مهدوی در آفرینش‌های هنری را باید در سه مرحله «تعمیق»، «بسط دهی» و «پایداری و نگه داشت» دانست. مرحله «تعمیق» زمانی صورت گرفته است که باعث تغییر در رفتار گردد. بنابراین تا زمانی که نحوه رفتار تغییر نیابد نمی‌توان گفت وی معرفت مهدوی دارد. مرحله «بسط دهی رفتاری» به معنای صدور رفتارهای متعدد مورد رضایت حضرت است. به عبارتی در صورتی تربیت دینی نهادینه می‌شود که ارزش‌های دینی در رفتار وی بسط داده شود.

مرحله «پایداری و نگه داشت» سومین مرحله نهادینه‌سازی معرفت مهدوی است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های رفتار نهادینه شده پایدار بودن آن می‌باشد. کسانی که رویکرد مقطعی به رفتارهای مورد رضایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دارد بهره‌ای از تربیت دینی نبرده است. نمی‌توان تربیت دینی را مناسبتی پی‌گیری کرد. یعنی نباید فقط در مناسبت‌ها از جوان انتظار رفتار متعالی را داشت. اصولاً زمانی می‌توان گفت یک رفتار دینی نهادینه شده است که دارای ویژگی‌هایی چون استمرار و انحلال‌ناپذیری باشد.

نمودار فرایند نهادینه‌سازی معرفت مهدوی در آفرینش‌های هنری



۳. درک هوشمندانه تفاوت‌های اعتقادی مخاطبان در باورداشت آموزه مهدویت

هنر، انسان محور است. از این رو بر شناخت سامانه روانی انسان استوار است. لذا برای اثرگذاری هرچه بیشتر اثر هنری از یافته‌های علوم شناختی و روان‌شناسی فردی و اجتماعی استفاده می‌شود.

یکی از مهم‌ترین ابعاد و مؤلفه‌های هنر، مخاطبین آن هستند. همه فرایندها و محیط‌های خلق اثر هنری متکی بر مخاطبین آن است و اساساً تمامی برنامه‌ریزی‌های هنری تنها در صورتی عملی و محقق خواهد شد که بتواند مخاطبین خود را هدف قرار داده و آنها را به سیر فرایند تحقق اهداف پیوند بزند. از این رو، شناخت مخاطبین از مهم‌ترین محورهای خلق اثر هنری است. گستره وجودی مخاطب برای هنرمند، شبیه به یک منطقه عملیاتی برای فرماندهان نظامی است، همان‌گونه که فرمانده نظامی، اگر بدون شناخت از منطقه، دست به عملیات بزند خطا کرده و امکان دارد با خطرهای بزرگی روبه‌رو شود، خلق اثر هنری نیز دقیقاً همین‌گونه است. در وجود مخاطبان نیز موانع بزرگ و کوچک روانی و موقعیت‌های استراتژیک و... وجود دارد که اگر در صدد تسخیر مخاطب هستیم، باید به شناسایی او بپردازیم.

تفکر خلاق، راهبرد خلق اثر هنری مبتنی بر تفاوت‌های اعتقادی مخاطب را تجویز می‌کند. توجه به ظرفیت‌های فکری، عقلانی و تفاوت‌های فردی مخاطبان و در نظر گرفتن سطح درک و فهم مخاطب از آموزه مهدویت در ارائه نوع برنامه و پیام هنری، و ملاحظه تناسب محتوای هنری با گنجینه فهم مخاطب در پذیرش پیام هنری نقش تعیین‌کننده‌ای دارد؛ زیرا ارسال پیام با هدف تغییر نگرش مخاطب صورت می‌گیرد تا مخاطب در زندگی خویش از اصولی پیروی کند که در این پیام‌ها بیان می‌شود. بنابراین،

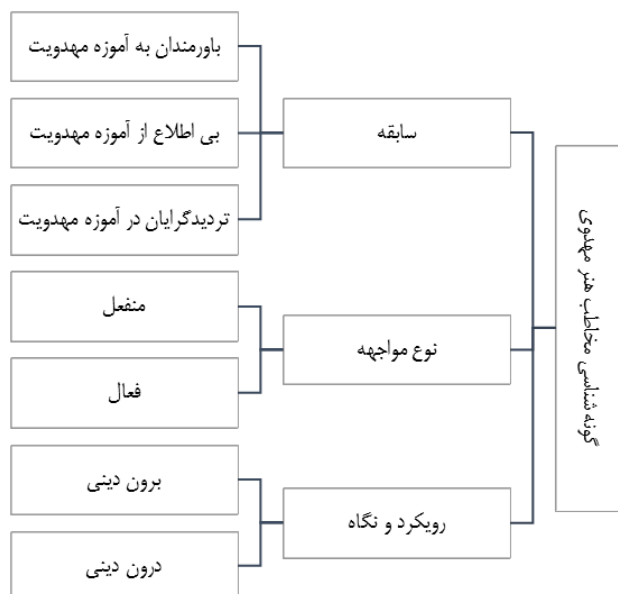
هدف از ترویج و ارائه یک پیام هنری در عرصه آموزه مهدویت، تغییر و دگرگون سازی بینش و نگرش مخاطب پیام است. بنابراین، توجه ویژه به مخاطب امری ضروری است. از این رو، اگر برنامه و یا پیامی متناسب با سطح فهم مخاطب در عرصه آموزه مهدویت نباشد، عملاً تأثیرگذار نخواهد بود.

در مطالعه مخاطبین معارف مهدوی، علاوه بر تفکیک جنبه های فردی، گروهی و همگانی، طبقه بندی اعتقادی آن نیز مدنظر است. از نظر میزان انطباق مخاطب با آموزه مهدویت، نیروی انسانی مخاطب دارای سه ماهیت باورمندان آگاه به آموزه مهدویت، بی اطلاعان از جنبه های معرفتی آموزه مهدویت و تردیدگرایان تقسیم می گردند. اثر هنری خلاقانه برای تأثیرگذاری بر افکار، احساسات و تمایلات هر سه گروه مهم است. به واقع، به تناسب طبقه بندی مخاطبین نوع روش ها و تاکتیک های هنرمند در خلق اثر هنری نیز متغیر است.

از نظر نوع مواجهه مخاطب با اثر هنری نیز به منفعل و فعال تقسیم می گردد. مخاطب منفعل صرفاً دریافت کننده پیام هنری بدون هیچ واکنش و پیگیری است. اما مخاطب فعال، گیرنده پیام به همراه پیگیری و تغییر رفتار است. به دیگر سخن مخاطب منفعل، بدون هیچ انگیزه و شناختی در معرض پیام هنری قرار می گیرد. اما مخاطب فعال جهت گیری داوطلبانه دارد و انتخاب پیام هنری از سوی وی اشاره به انگیزه، نیازها و اهدافی است که وی دارد.

بعد دیگری از مخاطب شناسی این است که توجه داشته باشیم، دانشجویان از جایگاه برون دینی به آموزه مهدویت نگاه می کنند یا درون دینی. آن که نگاه برون دینی دارد، تحت تأثیر آیات و روایات قرار نمی گیرد و نسبت به آنان تعبد ندارد، بلکه از راه های دیگری، مانند استدلال و تعقل و توجه به کارکردهای منجی باوری و... باید در خلق اثر هنری کوشید.

نمودار گونه‌شناسی مخاطبان آثار هنری در عرصه آموزه مهدویت



دوم: توانمندسازی مهارتی هنرمند

۱. طراحی نوآورانه پیام هنری در عرصه آموزه مهدویت

تفکر خلاق به طراحی نوآورانه پیام هنری در عرصه آموزه مهدویت نیز کمک می‌کند. در یک طراحی نوآورانه است که پیام‌های معرفتی به ترتیب و در مراحل و زمان‌های مشخص و به شیوه‌ای منطقی به مخاطب منتقل می‌شود. نباید از نظر دور داشت که اهمیت نوآورانه بودن پیام هنری در عرصه آموزه مهدویت به جهت پیوند عمیق آن با اعتقادات مخاطب است و هرگونه کم‌توجهی در آن، در واقع، تباه ساختن اعتقاد است.

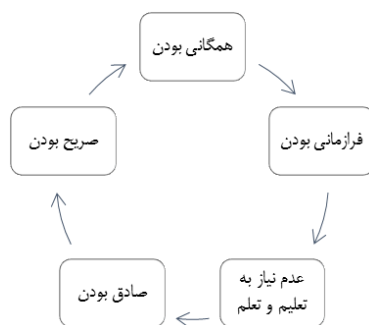
هنرمند باید با توجه به نوع و ارزش هدف‌های از پیش تعیین شده روش‌های ممتاز را برگزیند و به کاربندد و هرگز اسیر روش‌ها نگردد. به عبارت دیگر، هنرمند باید بداند و بپذیرد که هیچ‌گونه روش یا پیام ثابت و غیرقابل تغییر، وجود ندارد.

تکرار پیام هنری در عرصه آموزه مهدویت بدون هیچ‌گونه تغییری موجب می‌شود که از تأثیر ضریب قابلیت تکرار کاسته شود. در این زمینه تنوع ارائه پیام هنری در قالب و ساختار جدید سفارش می‌شود.

فطری بودن مقوله نجات، بن‌مایه پذیرش اجتماعی آفرینش‌های هنری در عرصه آموزه مهدویت می‌باشد. فطرت، خمیرمایه سرشت آدمی است؛ شالوده وجود او براساس آن شکل گرفته است. افزون بر آیه «فطرة الله التي فطر الناس عليها» (روم: ۳۰) که به صراحت بر وجود فطرت در درون جان انسان‌ها پای فشرده، خدای متعال نیز از نگاه بسیاری از مفسران، براساس زبان فطرت، وحدانیت خداوند متعال را به تصویر کشیده است و از انسان‌ها براساس همین اصل، پیمان گرفته است.^۱ امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه یکی از برنامه‌های پیامبران را بازستاندن میثاق فطرت الهی دانسته است: «لیستأدوهم میثاق فطرته...» (نهج البلاغه، خطبه ۱).

از ویژگی‌های فطرت، می‌توان به همگانی بودن، فرازمانی بودن، عدم نیاز به تعلیم و تعلم، صادق و صریح بودن اشاره کرد.

نمودار ویژگی‌های پیام فطری



برای نمونه، عموم صاحب‌نظران معتقدند حس زیباشناختی و زیبایی دوستی، فطرت آدمی است. یعنی همه انسان‌ها در برخورداری از این حس شریک‌اند، و این حس در طول حیات بشری وجود داشته و وجود خواهد داشت، و چنان نیست که برای پدید آوردن آن بسان خواندن و نوشتن، نیاز به تعلیم و تعلم باشد. چنین حسی کذب‌بردار نیست، و بدون دریافت صادقانه، اثری را زیبا ارزیابی نمی‌کند.

پیوند آموزه مهدویت با دو مفهوم «نجات» و «رهايي» تکیه این آموزه بر فطرت را نشان می‌دهد. این آموزه فرادینی است و قابلیت طرح برای همه انسان‌ها را دارد؛ زیرا بشر از

۱. «وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ» (اعراف: ۱۷۲).

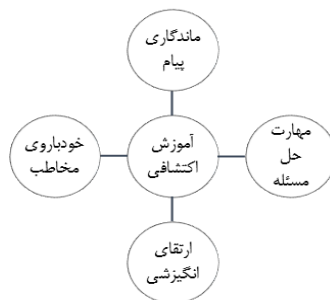
روزی که روی زمین سکنا گزیده، پیوسته در آرزوی یک زندگی اجتماعی مقرون به سعادت بوده و به امید رسیدن به چنین روزی قدم برداشته است. علاقه و خواست انسان به بهبودی اوضاع جهانی و رشد و دانایی و عشق به خوبی‌ها و عدالت، علاقه‌ای اصیل و همیشگی و جاودانی و انتظاریک مصلح بزرگ جهانی، آخرین نقطه این علاقه است.

۲. انتقال پیام خودانگیخته و اکتشافی

هنرمند؛ معمار و مهندس تفکر مخاطب است. چگونه اندیشیدن و واکنش او به روح پرسش‌گر مخاطب، سرمشق او در خلق اثر هنری بیرون می‌گردد. شیوه طراحی اثر هنری نیز در چگونگی اندیشیدن مخاطب اثر مستقیم دارد. از مهم‌ترین شیوه‌های پرورش تفکر خلاق در هنرمند، یاددهی اکتشافی هدایت شده است. اثربخشی این مهارت در خلق اثر هنری سبب ماندگاری، تعمیم‌پذیری و حفظ انگیزه پرورشی ذهن مخاطب می‌گردد. طبق این مهارت، قطعی‌نگری در دریافت پیام کاملاً مردود است و مخاطب با استقلال، تلاش فکری و عملی با هدایت اثر به اهداف می‌رسند. در این شیوه هنرمند کمتر به ارائه مستقیم پیام می‌پردازد. میدان اساسی در این شیوه از پردازش اثر، تفکر انتقادی مخاطب می‌باشد (علیگلی و ساجدی، ۱۳۹۴: ۳۳۴).

ماندگاری اثر هنری در این شیوه بیشتر است. مخاطب مهارت دریافت پیام را فرا می‌گیرد و می‌تواند پیام هنری را دسته‌بندی کند تعمیم دهد یا نتیجه بگیرد. از سویی این شیوه سبب می‌گردد تا انگیزه مخاطب به پیگیری پیام دوچندان گردد. از همه مهم‌ترین شیوه سبب خودباوری و استقلال فکری مخاطب می‌گردد.

نمودار کارکردهای انتقال پیام اکتشافی و خودانگیخته



۳. رشد ابتکارات احساسی (سواد عاطفی)

تفکر خلاق و ارتباطات عاطفی با یکدیگر مرتبط اند. سواد عاطفی به ما می‌آموزد که ارتباطی تنگاتنگ بین آگاهی، درک و کنترل احساسات وجود دارد. هنرمند جایگاهی فراتر از تولید یک اثر دارد. باورمندان به آموزه مهدویت؛ نیازهایی در این عرصه دارند که توقع دارند که هنرمندان به آن توجه داشته باشد.

آن‌گونه از هنر که با شور و عشق هنرمند نسبت به مخاطب همراه نباشد تغییری عمیق در ذهن و شخصیت آنان به وجود نخواهد آورد. این سخن گوتته درست است که گفته بود «ما هر چیزی را فقط از کسانی یاد می‌گیریم که دوست شان داریم». اینشتن نیز می‌گفت: «آنچه را که ما یاد می‌گیریم همان چیزهایی است که پس از کنار رفتن همه چیزهایی که به زور به ما یاد می‌دادند بر ایمان باقی می‌ماند» شناخت و احساس آدمی را نمی‌توان از یکدیگر جدا کرد. تا وقتی که هنرمند به چیزی علاقه پیدا نکند و تا با مخاطب خود ارتباط عاطفی برقرار نکند خلق اثر واقعی رخ نخواهد داد (لطف‌آبادی، ۱۳۹۷ش: ۴۱۹).

لازمه تغییر رفتار؛ یک رابطه قلبی میان هنرمند و مخاطب است که از جانب هنرمند به مخاطب «عنایت» و از جانب او «ارادت» نام دارد. عنصر کلیدی تغییر نگرش و انگیزه وابسته به میزان این رابطه قلبی است.

پیام هنری در صورتی بردیگران اثرگذار است که آنان به هنرمند اعتماد داشته باشند و علاوه بر دریافت پیام‌ها، آنها را نیز بپذیرند. در این زمینه خالق اثر باید جلب اعتماد مخاطبان را هدف اصلی خود قرار دهند و از طریق تجزیه و تحلیل بازخوردهای آنان، رعایت اخلاق حرفه‌ای و ارزش قائل شدن برای همه آنان و... اعتماد آنان را جلب کنند.

نمودار نقش تفکر خلاق در توانمندسازی فردی هنرمند در عرصه آموزه مهدویت



نتیجه گیری

در واقع، تفکر خلاق شیوه‌ای از تفکر است که به کمک آن، راه‌حل‌های متنوعی به منظور حل مسائل به دست می‌آید. از این طریق احتمال دستیابی به مناسب‌ترین راه حل بالا به دست می‌آید؛ بنابراین وظیفه تفکر خلاق در فرایند حل مسئله، تنها «یافتن» راه حل است؛ یعنی با تفکر خلاق به دنبال بهترین راه حل نباید بود. یکی از خصوصیت‌های بارز هنرمند، آن است که توانایی «نوع دیگر دیدن» در آنها زنده و فعال است. منظور از «نوع دیگر دیدن» این است که هنرمند تنها نباید به یک حالت، به یک تعریف و یک تعبیر از آموزه مهدویت اکتفا کند و از خود بپرسد غیر از این چه تعبیر دیگری می‌تواند برای این آفرینش هنری وجود داشته باشد؟ شیوه‌ای وجود دارد که فرایند اخیر را در هنرمند می‌سازد. این شیوه ساده، پرسیدن یک سؤال از خود در هنگام طراحی هنری است. این سؤال عبارت است از: «دیگه چی؟» این سؤال در حقیقت، موتور تفکر هنرمند خلاق را روشن می‌کند و از این طریق شخص خود را وادار می‌سازد که به دنبال برداشت‌ها و تعبیرهای دیگری از پردازش هنری برود و تنها به یک تعبیر از آموزه مهدویت

اکتفا نکند.

در این زمینه فرهنگ سازمانی حاکم بر مراکز هنری و فرهنگی می‌تواند تفکر خلاق را در هنرمندان پرورش دهد، هنرمندانی کاوشگر، آفریننده، مشکل‌گشا، نوآور، مولد و عامل تغییر را تربیت کند. بسترها و زمینه‌های شغلی و حرفه‌ای چنان می‌تواند قدرت اندیشه و مهارت فکری و اندیشه‌ای را در آنان تقویت کند که برای خلق آثار به تولید ایده‌های نو بپردازند. دست‌یابی به چنین وضعیت مطلوبی؛ مستلزم شناسایی وضع موجود و برآن اساس، ارائه راه‌حل‌ها و شیوه‌های مناسب است. بررسی وضع فعلی هنردینی نشان‌دهنده وجود مشکلات و بازدارنده‌های قابل ملاحظه‌ای در راه ایجاد جو مناسب برای پرورش تفکر خلاق و آفرینندگی هنرمندان است. در پایان این پژوهش برخی از مهم‌ترین مسائل قابل اعتنا در این زمینه ارائه می‌گردد.

جدول پیشنهادات مسئله‌ای در گستره مناسبات «تفکر خلاق» و «هنرمهدوی»

ردیف	عنوان
۱	جایگاه‌شناسی عنصر «زمان‌شناسی» در طراحی خلاقانه اثر هنری در عرصه آموزش مهدویت
۲	سنجش تحلیلی ارتباط بین «تحلیل رفتگی انگیزشی» و «فقدان تفکر خلاق» در خلق اثر هنری در عرصه دین
۳	نقش عوامل و زمینه‌های «فردی» در آفرینش هنری خلاقانه در حوزه آموزش مهدویت
۴	سنجش نقش عوامل «سازمانی» در آفرینش هنری خلاقانه در عرصه آموزش مهدویت
۵	سنجش عوامل و زمینه‌های «انگیزشی» در آفرینش هنری خلاقانه در عرصه آموزش مهدویت
۶	طراحی و ارائه الگوی مدیریت و برنامه‌ریزی آثار هنری خلاق در عرصه آموزش مهدویت
۷	بررسی راهکارهای تبدیل «گرایش‌های مهدوی» هنرمندان به «برون‌داد هنری»
۸	تأثیرسنجی نقش «متغیرهای رشته‌ای و گرایش‌های» هنرمندان در انتقال خلاقانه پیام هنری در عرصه آموزش مهدویت
۹	بازنمود عناصر سازنده خلاقیت در طراحی نوآورانه اثر هنری در آموزش مهدویت
۱۰	نقش سواد عاطفی در انتقال پیام هنری خلاق به مخاطب در عرصه آموزش مهدویت

منابع

۱. استیونز، مایکل (۱۳۷۲ش)، چگونه مسائل خود را حل کنید، ترجمه: جهان‌شاه معینی، تهران: انتشارات دانش.
۲. افروز، غلامعلی (۱۳۷۸ش)، روان‌شناسی و تربیت کودکان و نوجوانان، تهران: نشر انجمن اولیا و مربیان.
۳. آقای فیشانی، تیمور (۱۳۷۷ش)، خلاقیت و نوآوری در انسان‌ها و سازمان‌ها، تهران: نشر ترمه.

۴. بلخاری، حسن (۱۳۹۵ش)، *جامعه‌شناسی اخلاقی هنر*، تهران: سوره مهر.
۵. پرکان، حسین؛ محمدصالحی، جواد (۱۳۹۷ش)، *نهادینه‌سازی خلاقیت در جامعه اسلامی*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۶. پیرخانفی، علیرضا (۱۳۸۴ش)، *خلاقیت مبانی و روش‌های پرورش*، تهران: هزاره ققنوس.
۷. پیروی، موسی؛ نیک‌پیران، منیره (۱۳۹۲ش)، «تبیین ابعاد برنامه درسی پنهان در دروس معارف اسلامی مقطع کارشناسی نظام آموزش عالی»، *فصل‌نامه پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی*، شماره ۳۱.
۸. حسینی، افضل‌السادات (۱۳۸۸ش)، *یادگیری خلاق کلاس خلاق*، تهران: انتشارات مدرسه.
۹. حسینی، سیدحسن (۱۳۸۵ش)، *بالندگی سازمانی*، تهران: انتشارات بهاریه.
۱۰. رایبیز، استیفن (۱۳۶۹ش)، *مبانی رفتار سازمانی*، ترجمه: قاسم کبیری، تهران: مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی.
۱۱. رشاد، علی‌اکبر (۱۳۹۵ش)، *درباره هنر*، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۲. سام‌خانیان، محمدربیع و همکاران (۱۳۸۱ش)، *خلاقیت و نوآوری در سازمان و مدیریت آموزشی*، تهران: سپند هنر.
۱۳. عالم‌زاده نوری، محمد؛ بوسلیکی، حسن؛ مرادی، حسین (۱۳۹۳ش)، *نقش مربی در تربیت اخلاقی - معنوی*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۴. عبداللهی، بیژن (۱۳۸۳ش)، *طراحی الگوی توانمندسازی روان‌شناختی کارشناسان حوزه ستادی وزارت علوم تحقیقات و فناوری*، رساله دوره دکتری، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تربیت معلم تهران.
۱۵. علیگلی، جعفر؛ ساجدی، ابوالفضل (۱۳۹۴ش)، *رشد خلاقیت و شاخص‌های آن در اسلام و روان‌شناسی*، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله علیه.
۱۶. غفاری، ابوالحسن (۱۳۹۷ش)، *فلسفه هنر و زیبایی*، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۷. لطف‌آبادی (۱۳۹۷ش)، *روان‌شناسی تربیتی*، تهران: سمت.

۱۸. مایرز، چت (۱۳۹۵ش)، آموزش تفکر انتقادی، تهران: سمت.
۱۹. مقیمی، محمد (۱۳۷۷ش)، سازمان و مدیریت رویکردی پژوهشی، تهران: انتشارات ترمه.

